



A theological interpretative analysis of the issues of the resurrection following the phrase "We have caused death to two and brought life to two" in the eleventh verse of Ghafir in the commentary of Makhzan-ul-Irfan by Banu Amin

Hamzeh Ali Bahrami ^{a*}, Fatima Kiani ^b, Maryam Sadat Hashemi ^c

^a Associate Professor , Faculty member of the Department of Teaching of Islamic, University of Isfahan
h.a.bahrami@ltr.ui.ac.ir

^b PhD student in Islamic Philosophy and Theology, Islamic Azad University, Khorasan, Isfahan, Iran. fatimakiani1989@gmail.com

^c PhD in Islamic Theology, University Lecturer, Isfahan, Iran. hashmysadat@gmail.com

KEYWORDS

Lady Mujtahid Amin
TafsiroftheTreasure of Knowledge
Verse 11 of Surah Ghafir
Ma'ad

ABSTRACT

The eleventh verse of Surah Ghafir, referring to the two stages of "Amatah" and "Ihya'", is one of the key verses of the Quran in explaining the issues of resurrection, which has provoked numerous interpretations among the commentators of the sects. This research, using a descriptive-analytical and comparative method, examines the perspective of Banu Mujtahidah Amin, as one of the prominent contemporary female commentators of the Imamiyyah, in interpreting this verse. The main innovation of this research is that for the first time, it analyzes the interpretative perspective of a Shiite woman in a systematic framework and with a three-dimensional approach. 1. Explaining the philosophical-mystical foundations of Banu Amin's perspective on the issue of the stages of life and death. 2. Comparative comparison of this perspective with the opinions of Imamiyyah and Sunni commentators. 3. Criticism and evaluation of the arguments of competing interpretations based on Quranic, narrational, linguistic and rational evidence. The findings show that one of Ms. Amin's views, which focuses on proving "life in the afterlife," is consistent with the principles of Shiite literature and beliefs, other verses of the Quran, and the views of commentators. However, another interpretation of hers, which refers to it with the phrase "saying," is more consistent with Sunni interpretations and faces serious challenges, including the denial of Shiite teachings such as life in the afterlife and return. Another finding of this study is that according to Ms. Amin's interpretation, beliefs such as life before birth, life in the afterlife, return, denial of reincarnation, multiple blowing of trumpets, questioning, and the torment of the grave... are inferred from the verse.

* Corresponding author.

E-mail address: h.a.bahrami@ltr.ui.ac.ir

DOI: 10.22034/rtmr.2025.2072912.1109

Received: 2025/9/27; Received in revised form: 2025/10/3; Accepted: 2025/10/4





نوع مقاله : پژوهشی

تحلیلی تفسیری کلامی از مسائل معاد ذیل عبارت «أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ» آیه یازده غافر در تفسیر مخزن العرفان بانو امین

حمزه علی بهرامی^{الف*}، فاطیما کیانی^ب، مریم السادات هاشمی^ج

^{الف} دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان h.a.bahrami@ltr.ui.ac.ir

^ب دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، اصفهان. fatimakiani1989@gmail.com

^ج دکتری تخصصی کلام اسلامی، مدرس دانشگاه، اصفهان، ایران. hashmysadat@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
بانو مجتهد امین تفسیر مخزن العرفان آیه یازده سوره غافر معاد	آیه یازده سوره غافر، با اشاره به دو مرحله «اماته» و «احیاء»، از جمله آیات کلیدی قرآن در تبیین مسائل معاد است که تفسیرهای متعدد را میان مفسران فریقین برانگیخته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی، به بررسی دیدگاه بانو مجتهد امین به عنوان یکی از مفسران برجسته زن معاصر امامیه در تفسیر این آیه می‌پردازد. نوآوری اساسی این تحقیق در آن است که برای نخستین بار، دیدگاه تفسیری یک بانوی شیعه را در چهارچوبی نظام‌مند و با رویکردی سه‌بعدی تحلیل می‌کند. ۱. تبیین مبانی فلسفی-عرفانی دیدگاه بانو امین در مسئله مراحل حیات و ممات. ۲. مقایسه تطبیقی این دیدگاه با آرای مفسران امامیه و اهل سنت. ۳. نقد و ارزیابی ادله تفاسیر رقیب بر اساس شواهد قرآنی، روایی، زبانی و عقلی. یافته‌ها نشان می‌دهد که یکی از دیدگاه‌های بانو امین که با محوریت اثبات «حیات برزخی» است با اصول ادبیات و باورهای شیعه و آیات دیگر قرآن و دیدگاه مفسران همخوانی و همراهی دارد. اما تفسیر دیگری از او که با عبارت «قیل» از آن یاد می‌کند بیشتر با تفاسیر اهل سنت همراهی می‌کند و با چالش‌های جدی از جمله انکار آموزهای شیعه نظیر حیات برزخی و رجعت مواجه است. از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که بر حسب تفسیر بانو امین باورهای نظیر حیات قبل از تولد، حیات برزخی، رجعت، انکار تناسخ، تعدد نفخ صور، سوال و عذاب قبر... از آیه برداشت می‌شود.

۱- مقدمه

معاد از اصول دین است که دارای مسائل متعددی می‌باشد. برخی از مسائل معاد عبارت‌اند از مراحل احیاء و اماته و مسئله

* Corresponding author.

E-mail address: h.a.bahrami@ltr.ui.ac.ir

DOI: 10.22034/rtmr.2025.2072912.1109

Received: 2025/9/27; Received in revised form: 2025/10/3; Accepted: 2025/10/4



برزخ و حیات برزخی، مسئله رجعت، مسئله سؤال و عذاب در قبر، و... قرآن در آیات متعدد به موضوع معاد و مسائل آن می‌پردازد. یکی از آیاتی که به برخی از مسائل مهم معاد اشاره می‌کند آیه یازده سوره مبارکه غافر (سوره مؤمن) است. مفسران و متلکمان با استدلال و استناد به آیه مباحث ارزشمندی از مسائل معاد را مطرح کرده‌اند.

مفسران و متلکمان فریقین دیدگاه‌های متعددی ذیل آیه فوق مطرح کرده‌اند. در این میان یکی از مفسرانی که از اهمیت این آیه غافل نشده است بانو مجتهده امین هستند که افزون بر تفسیر مخزن العرفان کتاب مستقلی نیز درباره معاد به یادگار گذاشته‌اند. آیه یازده سوره غافر بهانه مناسبی است که بتوان ذیل آن دیدگاه بانو امین و مبانی فکری او درباره معاد را مطالعه و بررسی نمود.

پیشینه

آثار فراوانی درباره معاد و مسائل آن نگاشته شده است. از نزدیک‌ترین پژوهش‌هایی که به این موضوع می‌پردازد دو مقاله با نویسندگی آقای آرش رجبی و حبیب‌الله صالحی با عنوان بررسی مسئله اماته و احیاء آیه یازده غافر می‌باشد. این دو پژوهش ضمن اینکه صرفاً به یک مسئله (احیا و اماته) می‌پردازند؛ هیچ اشاره‌ای به دیدگاه بانو امین ندارند. درحالی‌که پژوهش پیشروی با تمرکز بر دیدگاه بانو امین کلیه مسائل معاد ذیل آیه را بررسی می‌کند. همچنین آقای مجتبی نوروزی در مقاله‌ای فقط مسئله رجعت را در آیه یازده غافر مطالعه می‌کند. ایشان نیز هیچ اشاره به تفسیر بانو امین ندارند.

این پژوهش که با روشی تحلیلی - تطبیقی به دست آمد، حاکی از چند دستاورد نوآورانه است. نخست: تبیین این امر که دیدگاه بانو امین ذیل آیه یازده غافر، برخاسته از مبانی مشخص فلسفی، به‌ویژه آموزه‌های حکمت متعالیه در باب مراتب هستی و مجرد نفس است و این موضوع، علت انتخاب وی را از میان دیگر تفاسیر روشن می‌سازد. دوم: ارائه تحلیلی نو از دلیل اختلاف مفسران؛ به این صورت که تضاد تفسیر شیعی (موید برزخ) و تفسیر مشهور اهل سنت (نافی برزخ) ذیل این آیه، ریشه در تفاوت مبانی انسان‌شناختی و معادشناختی آنان دارد و رأی بانو امین در این میان، مؤیدی قوی برای دیدگاه شیعی محسوب می‌شود. سوم: نقدی مبتنی بر اصول زبان عربی و سیاق آیات بر تفسیر اهل سنت وارد شد که بر اساس آن، اطلاق لفظ «اماته» بر حالت نطفگی، مجازی و خلاف ظاهر است و این نقد، از منظر ادبیات تخصصی قرآن، تقویت‌کننده دیدگاه بانو امین و هم‌افزاران وی است. در مجموع، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تفسیر بانو امین نه تنها یک رأی تفسیری که الگویی منسجم برای فهم لایه‌های چندگانه آیه و حل تعارض ظاهری با آیات مشابه (مانند بقره: ۲۸) ارائه می‌دهد.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. بانو مجتهده امین (۱۲۷۴-۱۳۶۲ ش)

سید نصرت امین معروف به بانو امین، در سال ۱۲۷۴ شمسی در اصفهان در یک خانواده سادات متولد شد. دوران اول زندگی او هم‌زمان با حکومت قاجار و نفوذ فرهنگ غرب در ایران بود. وی در دوران کشف حجاب رضاخان، در منزل می‌ماند و دارای کمالات روحی بود. بانو امین در مصاحبه‌ای اشاره کرد که علوم و معارف خود را بیشتر از طریق حالات درونی و با ارشاد خداوند به دست آورده و کمتر از استادان یا امور خارجی کمک گرفته است. او بهترین جهاد را حفظ پوشش زنان می‌دانست و معتقد بود پاکدامنی و عفت از صفات بارز زن است. باوجود مخالف نبودن با تحصیل زنان، تأکید داشت که این تحصیل باید با حفظ نفس و آبروی اسلامی همراه باشد و پاره کردن حجاب را همانند پاره کردن اوراق قرآن و زیر پا گذاشتن حکم خدا و پیامبر می‌دانست. باتوجه به آثار بانو امین، او از پیروان مکتب صدرا و حکمت متعالیه بود و در تفسیر فلسفی خود (مخزن العرفان) از نظرات ملاصدرا مانند حرکت جوهری بهره برده و در مواضع مختلف به تأیید این مکتب پرداخته است. از بانو امین آثار ارزشمندی به‌یادگارمانده است. از مهم‌ترین این اثر تفسیر جامع مخزن العرفان در پانزده جلد است. از دیگر آثار ارزشمند او عبارت‌اند از: معاد یا آخرین سیر بشر، الاربعین الهاشمیه، جامع الشتات، روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، نفحات الرحمانیه فی واردات قلبیه... از مهم‌ترین اساتید او عبارت‌اند از: آیت‌الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی، آیت‌الله میرزا علی شیرازی، آیت‌الله شیخ مرتضی مظاهری، و... (علویه همایونی، ۱۳۸۸، ص ۴۰)

۲-۲. مخزن العرفان

مخزن العرفان، تفسیر قرآن اثر سیده نصرت امین، در پانزده جلد و به زبان فارسی روان نوشته شده است. صبغه اصلی این تفسیر، اخلاقی و عرفانی است. در مقدمه آن، به انگیزه تألیف، فضیلت قرآن، تفسیر به رأی و مباحث علوم قرآنی پرداخته شده است. شیوه مؤلف بدین صورت است که ابتدا دسته‌ای از آیات را ترجمه کرده، سپس با بیانی ساده و قابل فهم به تفسیر آن‌ها می‌پردازد. وی در تفسیر خود، گاه به آرای ملاصدرا و دیگر فلاسفه و عرفا اشاره کرده و به دلیل آشنایی با شبهات کلامی، رویکردی استدلالی دارد؛ به این شکل که شبهه‌ای را مطرح و پاسخ آن را بیان می‌کند.

اگرچه چهره عرفانی مفسر در سراسر اثر آشکار است، اما آیات و احادیث را با روش باطنی و تأویلات عرفانی افراطی بیان نمی‌کند.

۲-۳. سوره غافر

سوره غافر چهلمین سوره قرآن است که در مکه نازل شده و با ۸۵ آیه در جزء ۲۴ قرار دارد. از سوره‌های مثانی محسوب می‌شود. این سوره به دلیل اشاره به واژه "غافر" (آمرزنده) در آیه سوم و همچنین داستان مؤمن آل فرعون به نام‌های «غافر» و «مؤمن» شناخته می‌شود. موضوعات اصلی سوره شامل باطل کردن استدلال‌های کفار علیه قرآن، داستان حضرت موسی (ع) و فرعون، و اثبات توحید و بطلان شرک است. فضیلت‌های ذکر شده برای تلاوت این سوره شامل قطع نشدن امید در قیامت و رونق کسب و کار و سرسبزی باغ در صورت نوشتن و نصب آن است. رسول خدا می‌فرماید: «حم» اسمی است از اسماء اعظم حق تعالی و هر اسمی از اسماء الله کلیدی است از کلیدهای خزائن او. بعضی از عرفا گفته اند: کسی که باسمی از اسماء الهی مشغول گردد بقدر اشتغالش بین او و آن اسم مناسبتی بین سرش و روحش پدید می‌گردد. ابن عباس می‌گوید: حم کلید اسمایی است که اول آن حاء یا میم باشد مثل حمید، حامد حی، حق، حکیم، حافظ، حفیظ، حنان، ملک، ملیک، مالک، مجید، مبداء، معید، معز، مهیمن، منان... در روایتی پیامبر می‌فرماید: حم مبادی اسماء و مفاتیح سوره‌ها است. برخی دیگر گفته اند: حاء اشاره بحکم حق تعالی است که حکم او حق و ثابت خواهد بود، و میم ایماء است بملکیت او که فناء و زوال گرد سرادقات جلال و عظمت او نخواهد گردید. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۲۴۷)

۲-۴. آیه ۱۱ سوره غافر^۱

از آیات مشهور این سوره، آیه ۱۱ است. که اشاره به این دارد که خداوند بندگان خود را دو بار می‌میراند و دو بار زنده می‌گرداند. بانو امین در ترجمه آیه فوق می‌نویسد: کفار وقتی عذاب را مشاهده می‌نمایند به پروردگار خود ملتجی می‌گردند و در مقام استغاثه می‌گویند ای خدایی که دو دفعه ما را میرانیدی و دو دفعه ما را زنده گردانیدی و ما امروز که روز قیامت است به گناه خود اعتراف می‌نماییم آیا راه خروجی از این عذاب برای ما هست. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۲۵۴)

۲-۵. معاد

معاد در اصطلاح اسلامی به معنای بازگشت به‌سوی خداوند و حیات مجدد انسان پس از مرگ در جهانی دیگر (قیامت) برای دریافت پاداش و کیفر اعمال دنیوی است. این مفهوم، یکی از اصول اساسی دین اسلام (اصول دین) و از ضروریات آن به شمار می‌رود. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۷)

۳. تفسیر بانو امین ذیل آیه یازده غافر

۱. (قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَدْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ).

دیدگاه‌های متعددی درباره معنای دو حیات و دو موت ذیل آیه از سوی مفسران فریقین گفته شده است. بانو امین از میان همه این دیدگاه‌ها دو دیدگاه را مطرح می‌کند که ظاهراً مورد تأیید او است. در یک دیدگاه می‌نویسد: در اینکه مقصود از دومرتبه مردن و دومرتبه زنده شدن چیست از بعض مفسرین است که مردن اول در دنیا هنگام اجل است و مردن دوم بعد از زنده شدن در قبر برای سؤال و دو حیات یکی زنده شدن در قبر است و دیگری زنده شدن در قیامت خواهد بود.

بانو امین این دیدگاه را نزدیک به واقعیت و موافق با اخبار می‌داند و از آن وقوع سؤال و جواب در قبر و حیات برزخی را استنباط می‌کند.

بانو امین در دیدگاه دومی از معنای دو موت و دو حیات می‌نویسد: و از ابن عباس و قتاده و ضحاک چنین نقل می‌کنند که مقصود از مردن اول آن وقتی است که نطفه و در اصلا ب پدران بودند و مردن دوم بعد از زندگانی این دنیا است و زندگانی اول برای عمل و حیات آخرت برای جزا است و این آیه نظیر قوله تعالی است «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ» (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۲۵۴)

بانو امین توضیح بیشتری از آیه نداده است؛ ولی از همین اندازه توضیح او می‌توان چند اصل از اصول معاد را استخراج و تحلیل نمود. گفتنی است که بانو امین در جاهای دیگری از تفسیر خود به این آیه نیز استدلال کرده است. در ادامه به تبیین و نقد برداشت‌های بانو امین از آیه نظیر اصل رجعت، اصل حیات برزخی، اصل تناسخ، اصل نفخ صور، تعدد حیات موت... می‌پردازیم. اما قبل از ورود به اصل بحث اشاره‌ای به مراحل حیات و اماته انسان در قرآن می‌اندازیم.

تعدد مرگ و حیات در قرآن

فارغ از دیدگاه بانو امین سؤالی که ممکن است برای آدمی مطرح شود این است که انسان از نظر ایدئولوژی قرآن و اسلام، چه مرحله‌ای از حیات و ممات را می‌گذراند؟ تعداد مرگ و موت که از بدو خلقت انسان تا مرحله نهایی یوم الحشر در سر راه انسان وجود دارد چند تا است؟ آیا برای بشر یک مرگ است؟ اگر همین مرگ و زندگی باشد و تمام، پس حیات برزخی، رجعت و قیامت کجاست؟

بحث از تعدد مرگ و زندگی در آیات متعددی از قرآن خصوصاً در آیه یازده غافر مطرح شده است. اندیشمندان مسلمان از قدیم‌الایام در مورد چنین موضوعی در مباحث تفسیری و کلامی بحث و مناقشات علمی داشته‌اند. به نظر می‌رسد که با نظر در آیات و روایات سه احیا و سه اماته برای آدمی از ابتدای خلقت تا قیامت پیش می‌آید. که عبارتند از:

۱: موت در حالت نطفه بودن

۲: احیای دنیوی (نفخ روح)

۳: اماته از حیات دنیوی (مرگ)

۴: احیای برزخی

این مرحله برای سؤال و جواب قبر، روح به بدن دنیوی مادی داخل شده است

۵: اماته از حیات برزخی

پس از سؤال و جواب قبر روح در نفخ صور اول می‌میرد

۶: احیای ابدی

در نفخ صور دوم و برپایی قیامت و بعث و نشوز احیای ابدیت صورت می‌گیرد

گفتنی است که برای رجعت کنندگان یک احیا و اماته دیگری نیز وجود دارد. که اماته از زندگی برزخی برای رجعت به زندگی این دنیا و اماته از رجعت و شروع زندگی برزخی مجدد می باشد. در ادامه به دیدگاهایی که ذیل آیه از سوی مفسران و بانو امین ذیل آیه مطرح شده است را بیان و ارزیابی می کنیم.

۱-۳. دیدگاه عدم شمولیت حیات دنیوی

بانو امین ذیل آیه می نویسد: در اینکه مقصود از دومرتبه مردن و دومرتبه زنده شدن چیست؟ مردن اول در دنیا هنگام اجل است و مردن دوم بعد از زنده شدن در قبر برای سؤال و دو حیات یکی زنده شدن در قبر است و دیگری زنده شدن در قیامت خواهد بود. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۲۵۴)

در این تفسیر بانو امین حیات، شامل حیات دنیوی نیست و فقط شامل حیات در برزخ و حیات در قیامت می شود. از این تفسیر بانو امین حیات برزخی استخراج می شود این دیدگاه بانو امین در تفاسیر دیگر نیز گزارش و تأکید شده است. برای مثال شیخ طوسی، طبرسی، رازی، علامه طباطبایی، مکارم شیرازی، جوادی املی، حسینی تهرانی، قرائتی... این دیدگاه را مطرح کرده اند (طوسی، بی تا، ج ۹ ص ۶۰؛ طبرسی ۱۳۷۲، ج ۸ ص ۸۰۴؛ مکارم ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۳؛ جوادی املی ۱۳۷۸، ج ۲ ص ۵۹۳؛ حسینی تهرانی ۱۴۲۷، ج ۳ ص ۲۲)

برای مثال آیت الله جوادی املی می نویسد: آدمی هنگامی که وارد برزخ شد نسبت به زندگی این دنیا مرده و نسبت به برزخ زنده است و وقتی به قیامت منتقل می شود از زندگی برزخ مرده و نسبت به قیامت زنده است (جوادی املی ۱۳۸۸ جلد ۴ صفحه ۱۸۸)

این دیدگاه بانو امین با معنای مصدری افعال نیز همخوانی دارد. چرا که اگر یکی از آن دو اماته مرگ ناقل از زندگی این دنیا باشد پس برای اماته دوم باید میان دو مرگ، یک زندگانی تصور شود که همان زندگی برزخی است؛ بنابراین مراد از اماته، اماته بعد از زندگی این دنیا و مرگ پس از زندگی برزخی است و مراد از دو احیا، احیا در برزخ و احیا برای روز قیامت است. بنابراین اگر زندگی برزخی تحقق نیابد اماته دوم تحقق نمی یابد. چون هر یک از اماته و احیا برای تحقق نیازمند به سبق خلاف آن هستند. به بیانی دیگر میراندن دوم زمانی صحیح است که قبل از آن یک حیات برزخی وجود داشته باشد. زیرا هر یک از مرگ و احیا باید مسبوق به خلافشان باشند تا معنا یابند. بر حسب این تفسیر مقصود کفار از «احییتنا» در آیه، شامل حیات دنیوی نمی شود. زیرا در این صورت باید سه حیات (دنیوی، برزخی و قیامت) شمرده می شد و قرآن می بایست عبارت «أَحْيَيْتَنَا ثَلَاثًا» را به کار می برد.

بنابراین، کفار در سخن خود، به حیات دنیوی اشاره نکرده اند، زیرا مقصود آنان تنها احیایی است که موجب یقین به معاد شده است؛ یعنی حیات در برزخ و قیامت. حیات دنیوی، هرچند خود نوعی احیا است، اما به خودی خود باعث ایجاد یقین به معاد نمی شود؛ چرا که کفار در طول زندگی دنیوی خود در شک و تردید بودند؛ بنابراین، مراد آنان تنها شمارش مطلق مردن ها و زنده شدن ها نبوده، بلکه تنها آنهایی مدنظر بوده که در حصول یقین برایشان دخیل بوده است.

۲-۳. دیدگاه اهل سنت

یکی از دیدگاههایی که بانو امین ذیل آیه از تعدد مرگ و حیات ارائه می کند دیدگاهی است که بیشتر مفسران اهل سنت به آن پایبند هستند. نفس طرح این دیدگاه از سوی بانو امین مشیر به این است که وی از میان دیدگاههای مختلف شیعه و سنی به این دیدگاه متمایل تر است. بر حسب این دیدگاه مراد از «اماته اولی» حالت نطفگی انسان است، آن وقتی که هنوز روح در آن دمیده نشده و مراد از «احیاء اولی» حالت آدمی بعد از دمیده شدن روح در کالبد است و مراد از «اماته دوم» اماته در دنیا و قبض روح است، و مراد از «احیای دوم» احیاء برای روز قیامت و حساب است، و آیه شریفه درست همان را می گوید که آیه شریفه «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» (بقره ۲۸) در مقام بیان آن است. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۲۵۴) به بیان دیگر در این دیدگاه منظور از دو مرگ عبارت است از:

۱: مرگ قبل از ولوج و نفخه روح در بدن مادر در حالت نطفه و مضغه و علقه است.

۲: مرگ دوم مرگ از دنیا و تمام شدن عمرشان و راهی شدن به قبر است.

همچنین منظور از دو حیات عبارت است از:

۱: حیات در دنیا است

۲: حیات دوم زنده شدن از قبرها و حرکت برای حساب و جزا در آخرت و جاودانگی بدون مرگ در بهشت یا جهنم است.

ابن عباس، قتاده، ضحاک، ابو مالک، زمخشری، بیضاوی، شیخ بهایی، سمرقندی، ابن جزی، و... قائل به این دیدگاه هستند. (بیضاوی ۱۴۱۸، ج ۵ ص ۵۳ و سمرقندی، بی تا، ج ۳ ص ۱۹۹؛ ملاحویش ۱۳۸۲، ج ۵ ص ۵۷۲)

تحلیل و ارزیابی

این دیدگاه که تغییر مراحل تکامل جنین در رحم را می توان «موت» نامید، با چالش های جدی مواجه است. به نظر می رسد این تفسیر غیرقابل اثبات و غیرقابل پذیرش است، زیرا اطلاق واژه «اماته» (میراندن) بر حالت پیش از ولوج روح، یک استعمال مجازی و خلاف حقیقت است؛ چرا که اماته متوقف بر سبب حیات است و حیات حقیقی پس از دمیده شدن روح آغاز می شود. بنابراین اطلاق موت و حیات به حالت قبل از تولد نوعی مجاز و تاویل و تخیل عجیب و حيله ای شگفت انگیز است که پذیرش آن نیازمند دلیل و قرینه و مرجح صریح می باشد.

همچنین این دیدگاه عمدتاً از سوی مفسران اهل تسنن مطرح شده و اکثر مفسران شیعه به آن اشاره نکرده اند. شیخ مفید نیز این دیدگاه را دیدگاه عامه و اهل سنت می داند و در مخالفت با آن می نویسد: این دیدگاه باطل است. چون اماته بر کسی اطلاق می شود که قبلش حیات داشته باشد. (مفید ۱۴۱۳ ص ۳۳)

همچنین پذیرش این نظر، پیامدهای ناخوشایندی برای باورهای شیعی دارد، از جمله تعارض با دو آموزه اصلی حیات برزخی و رجعت که مفسران امامیه ذیل آیه یازده سوره غافر به اثبات آن می پردازند.

نقد محوری دیگر، تفاوت در سیاق دو آیه کلیدی است. در حالی که آیه ۲۸ سوره بقره انسان را در حالت نطفگی «مرده» (اموات) می خواند، آیه ۱۱ سوره غافر به «دو بار میراندن» اشاره دارد. این دو سیاق کاملاً متفاوت هستند؛ آیه بقره یک موت و یک اماته و دو احیا را بیان می کند، در حالی که آیه غافر صراحتاً بر دو اماته و دو احیا دلالت دارد؛ بنابراین، تطبیق «اماته اولی» در غافر بر حالت پیش از تولد، با سیاق آیه همخوانی ندارد.

برخی دیگر از قرآن پژوهان به همین تفاوت موت با اماته توجه و به تفاوت آیه ۲۸ بقره با آیه ۱۱ غافر رسیده اند. این مفسران این دو آیه را مکمل هم می دانند. و بر این باورند که این دو آیه با همدیگر دو اماته در دنیا و برزخ و سه احیا در دنیا و برزخ و قیامت را می رسانند. (جوادی ۱۳۷۸ ج ۲ ص ۵۹۳ و ۱۳۸۷ ج ۴ ص ۱۸۸)

البته این گونه نیست که فقط مفسران شیعه همگونی آیه ۱۱ غافر را با آیه ۲۸ بقره انکار کرده باشند بلکه برخی از مفسران اهل سنت نیز این یگانگی دو آیه را غیرقابل قبول دانسته اند. برای مثال سیف الدین آمدی معتقد است حمل اماته بر حالت اطوار نطفه مخالف ظاهر است زیرا اماته پس از سابقه حیات اطلاق نمی شود. (آمدی ۱۴۲۳ ج ۴ ص ۳۳)

علامه طباطبایی نیز در نقد این دیدگاه می نویسد: نام بردن اماته ها و احیاهایی که بر آنان گذشته، همه و همه برای اشاره به اسباب حصول یقین ایشان به مسئله معاد است و زندگی دنیا و مرگ قبل از آن زندگی، هیچ اثری در پیداشدن یقین به معاد ندارد و مقصود آیه نیست (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۷۶)

۳-۳. دیدگاه حیات برزخی

همچنان که اشاره شد یکی از پیامدهای آیه و معارفی که از مسائل معاد از آیه استنباط می‌شود باور به وجود حیات برزخی است. حیات برزخی از باورهای بانو امین هست که در آیات دیگر به آن تصریح و تأکید و به زیبایی تبیین می‌کند. به مناسبت اشاره‌ای به حیات برزخی می‌کنیم. با نظر در تفاسیر قران می‌بینیم که نوعاً مفسران شیعه برای اثبات حیات برزخی به دلایل ذیل نیز استدلال می‌کنند.

۱: شهدا و کسانی که در راه خدا می‌میرند و کشته می‌شوند زنده‌اند و نزد خدای خود رزق می‌خورند. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۰)

۲: بر طاغوتیان مانند آل فرعون صبح و شب آتش عرضه می‌شود (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۲ و ج ۳، ص ۳۳۴ و ج ۱۱، ص ۲۷۷)

۳: انبیاء و ائمه زنده‌اند جواب سلام ما را می‌دهند.

بانو امین در تفسیر خود، با استناد به آیات ۱۵۴ سوره بقره و ۱۶۹ سوره آل عمران، و همچنین احادیث، عقل و شهادت انبیا و حکما، تأکید می‌کند که انسان به واسطه مرگ فانی نمی‌شود و حیاتی جاودانه دارد. به عقیده او، حیات پس از مرگ، یک حیات حقیقی و همیشگی در عالم برزخ است که واسطه‌ای بین دنیا و قیامت است. در این عالم، روح انسان با بدن مثالی (که مشابه بدن دنیوی اما از جنس لطیف‌تر است) منتقل شده و بسته به اعمالش، تا زمان قیامت در نعمت یا عذاب به سر می‌برد. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۱ و ۱۳۰ و ج ۳، ص ۸۴ و ج ۳، ص ۳۳۱ تا ۳۳۵)

بانو امین برای انواع حیات سلسله مراتب ذیل را قائل است.

۱. حیات نباتی: پایین‌ترین مرتبه.

۲. حیات حیوانی: دارای حس، حرکت، رشد و ادراک.

۳. حیات دنیوی انسانی: که علاوه بر ویژگی‌های حیوانی، دارای عقل، اراده و توانایی کسب علم است.

۴. حیات برزخی انسانی: حالتی بین ماده و مجرد که دارای ادراک حسی (مانند حیوانات) و نیز ادراک عقلی و کسب معارف (که مخصوص انسان است) می‌باشد.

۵. حیات اخروی: حقیقی‌ترین و بالاترین حیات که فوق همه مراتب دیگر است؛ حیاتی که مرگ، فقدان و فنا ندارد. امین با استشهاد به آیات قرآن (مانند حدید: ۲۰ و عنکبوت: ۶۴)، حیات دنیا را در مقابل حیات اخروی، عاریتی، متاعی اندک و وسیله‌ای برای لهو و لعب می‌داند و حیات واقعی را تنها در آخرت می‌داند که «لَهُوَ الْحَيَاةُ» (حیات حقیقی) است. (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۸۵ تا ۳۹۶ و ج ۱۳، ص ۱۴۳ تا ۱۴۵)

۴-۳. دیدگاه شاذ

یکی از دیدگاه‌هایی که در تبیین تعدد موت و حیات در آیه یازده غافر مناسب و علمی‌تر از بقیه به نظر می‌رسد دیدگاه شاذی است که معتقدند مراد از دو اماته یکی اماته در دنیا و پس از پایان عمر دنیوی است و دیگری اماته در قبر و پس از سؤال و جواب است و مراد از دو احیا یکی احیای دنیوی هست و دیگری احیای در قبر برای سؤال و جواب است؛ زیرا معلوم است و اساس کلام در آن احیای سوم واقع شده است و اگر زنده نبودند تکلم نمی‌کردند.

منابع تفسیری شیعه این دیدگاه را مطرح نکرده‌اند؛ ولی قابل تأمل می‌باشد. از جنبه‌های مثبت این دیدگاه این است که شامل موت دنیوی هم می‌شود و کمتر نیازمند تأویل به قبل از حیات دنیوی و دوران نطفگی و جنینی است. از جنبه‌های مثبت دیگر این دیدگاه این است که صراحت در حیات برزخی دارد که مطابق با باورها و عقاید شیعه است. از دیگر جنبه‌های مثبت آن این است که به‌وسیله مفسران اهل سنت گزارش می‌شود. برای مثال آمدی این آیه را دال بر حیات برزخی می‌داند و برای دیدگاه خود حدیثی از صحیح مسلم را گزارش می‌کنند. بر حسب این حدیث پیامبر بر سر بالین کشتگان بدر حاضر شدند و ندا کردند ای ابو جهل ای امیه ای عتبه ایا وعده‌های الهی به خودتان را حق یافتید؟ وقتی خلیفه دوم از امکان گفتگوی رسول خدا با مردگان می‌پرسد پیامبر می‌فرماید: آنها شنواتر از شما هستند منتها امکان جواب دهی را ندارند. (آمدی ۱۴۲۳ ج ۴ ص ۳۳۳) در این دیدگاه موت مقید به اولویت در بیان خدا همان موتی است که در این دنیا واقع می‌شود و دلیل آن آیات متعدد قرآن است. بانو امین این دیدگاه را مطرح نمی‌کند ولی دیدگاهی است که کمتر مورد تأویل است و جای بحث و توجه دارد.

۵-۳. دیدگاه رجعت

یکی از مسائل معاد که از آیه یازده سوره مبارکه غافر برداشت می‌شود. اصل رجعت است. ریشه اصلی رجعت از «رَجَع، یرْجِع، رُجوعاً»، به معنای بازگشت است (ابن فارس ۱۴۰۴، ج ۲ ص ۴۹۰) در اصطلاح شیعه رجعت یعنی بازگشتن عده‌ای از خالصان و پاکان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام برای یاری ایشان و همچنین بازگشت عده‌ای از کفار و دشمنان برای انتقام گرفتن از آنان است. (فراهیدی ۱۴۰۹، ج ۱ ص ۲۲۵) بنابراین، رجعت یک امر همگانی و عمومی نیست. بلکه اختصاص به گروهی خاصی از بسیار خوبان و بسیار بدان است. این مطلب مورد تأیید روایات اهل بیت هم است. امام صادق می‌فرماید: رجعت، همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می‌گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند.

به جرئت می‌توان گفت که اصل رجعت و ایمان به کلیت آن از آموزه‌های اختصاصی شیعه است و مورد تأیید اهل سنت نیست. افزون بر روایات متعدد و متضاد و حتی متواتر بر اصل رجعت، مفسران و متکلمان شیعه آیات زیادی از قرآن را دال بر رجعت می‌دانند ((بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ نوروزی ۱۳۹۹، ص ۲۳۵-۲۶۵)

بسیاری از متکلمان و محدثان و مفسران شیعه خصوصاً تفاسیر اثری و روایی از جمله آیاتی که دلالت بر رجعت می‌کند را آیه یازده سوره غافر می‌دانند. عالمانی نظیر شیخ مفید، المیزان علامه طباطبایی، آیت‌الله مکارم شیرازی و البرهان سید هاشم بحرانی و التبیان شیخ طوسی و تفسیر صافی فیض کاشانی، شریف مرتضی، شیخ حر عاملی... (مفید ۱۴۱۳ ص ۳۴. شریف مرتضی ۱۴۱۱، ص ۵۳۰، فیض کاشانی ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳۶، مجلسی بی‌تا، ۳۴۰؛ پاکتچی ۱۳۹۸ ص ۱ و ۲۸؛ مجتبوی ۱۳۷۱ ج ۱ ص ۴۶۸)

سید عبدالله شبر می‌نویسد: آیه در رجعت کمال ظهور دارد (شبر ۱۴۲۴ ص ۳۰۳)

سید عبدالحسین طیب همه تفاسیر اهل سنت در تفسیر آیه ۱۱ غافر را تفسیر به رأی و غیرقابل پذیرش می‌داند. در تفسیر اطیب البیان این گونه آمده است: این آیه یکی از ادله رجعت است که یک دسته از کفار معاند رجوع به دنیا می‌کنند و از آنها انتقام کشیده می‌شود چنانچه از حضرت صادق است (طیب ۱۳۷۸ ج ۱۱ ص ۳۵۸) فیض کاشانی ضمن اینکه آیه را در مورد رجعت می‌داند می‌نویسد: شاید این دو مرگ و حیات در خود رجعت واقع شود و یا حیات و ممات در رجعت یکبار باشد اما به اضافه حیات و ممات در قبر این دو بار کامل شود (فیض کاشانی ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳۶)

مستند تفاسیر اثری شیعه نه تفسیر خود آیه بلکه روایتی از امام صادق در ذیل تفسیر آیه یازده غافر است که آن را درباره رجعت می‌دانند. برای مثال سید هاشم بحرانی در البرهان به استناد روایتی از امام صادق می‌گوید: این آیه اشاره به رجعت قومی دارد که بعد از مرگ برمی‌گردند (بحرانی ۱۴۱۶، ج ۴ ص ۷۴۹)

این دیدگاه مورد تأیید بانو امین نیست. و خلاف دیدگاه متکلمان و اخباریان سخنی از رجعت ذیل آیه یازده غافر نمی‌کند. (بانو امین ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۲۵۴)

۶-۳. دیدگاه انحصار آیه در رجعت

برخی از قرآن پژوهان تفسیر منحصر به فردی از آیه ۱۱ سوره غافر ارائه داده اند. بر حسب این دیدگاه عموم مردم تنها یک موت (پس از حیات دنیوی) و یک حیات (در قیامت) را تجربه می کنند. آیه یازده غافر منحصر در معنای رجعت و برای رجعت کنندگان است نه برای عموم مردم. «میراندن نخست» اشاره به مرگ پس از حیات دنیوی دارد و «احیای نخست» به زنده شدن در رجعت اشاره می کند. سپس «مرگ دوم» پس از حیات رجعت و «احیای دوم» در روز قیامت رخ می دهد. به عبارت دیگر، تکرار موت و حیات تنها در چارچوب رجعت معنا می یابد. باورمندان به این دیدگاه به آیات ۲۸ سوره بقره و ۵۸ سوره صافات استناد می کنند (معرفت، ۱۳۷۵، ص ۱۱۱). همچنان که اشاره شد در تفاسیر اثری نیز روایتی وجود دارد که ذیل آیه به رجعت اشاره می کند. ظاهراً همین روایت موجب شده است که انحصار رجعت را از آیه برداشت کنند. به نظر می رسد این دیدگاه ضعیف و نیازمند شواهد بیشتری می باشد. از دلایل ضعف این نظریه به موارد ذیل می توان اشاره کرد.

تحلیل و ارزیابی

۱. روایتی که از امام صادق در برخی از تفاسیر اثری وارد شده و مفهوم آیه را به رجعت بازمی گرداند. این روایت ضعیف است. تفسیر التبیان به ضعف این روایت اشاره کرده است.
 ۲. پذیرش انحصار آیه در رجعت مستلزم این است که چهار احیا و سه اماته داشته باشیم. (احیای اولیه، اماته دنیا، احیای قبر، اماته پس از آن، احیای رجعت، اماته پس از رجعت و احیای قیامت)، در حالی که ظاهر آیه صراحتاً به دو اماته و دو احیا اشاره دارد و این تعدد اضافی، مخالف ظاهر آیه است.
 ۳. آیه با عبارت «ان الذین کفروا» خطاب به همه کفار است و عمومیت دارد. اما مطابق روایات، رجعت پدیده ای همگانی نیست و تنها اختصاص به افراد خاص (مانند مؤمن محض و کافر محض) دارد؛ بنابراین، تطبیق آیه ای عام بر مسئله ای خاص، خلاف ظاهر و سیاق قرآن است.
 ۴. بانو امین علاوه بر پذیرش و طرح موضوع رجعت در آیات متعدد قرآن (بانو امین، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۳۷۱ و ۳۷۲) ولی ذیل آیه ۱۱ غافر سخنی از رجعت نمی کند. عدم طرح رجعت از سوی ایشان شاهی بر این مطلب هست که وی از این آیه رجعت را ولو به صورت ضعیف برداشت نکرده و روایتی که ذیل این آیه به رجعت اشاره می کند هم ضعیف و غیر قابل استناد تلقی کرده اند.
- نتیجه آنکه، به نظر می رسد استنباط رجعت از این آیه با چالش های متعددی روبرو است و ادله محکم تری برای اثبات این عقیده لازم است.

۷-۳. دیدگاه انکار تناسخ

تناسخ، به معنای انتقال روح انسان پس از مرگ به جسمی دیگر، آموزه ای باریشه هندی است که مخالف باور اسلامی معاد محسوب می شود. طرفداران این عقیده آن را به دو نوع تقسیم می کنند: تناسخ صعودی (انتقال روح به مرتبه بالاتر) و تناسخ نزولی (انتقال روح به مرحله پایین تر، اعم از انسانی، حیوانی، نباتی یا جمادی). این دیدگاه توسط برخی فرق انحرافی اسلامی مانند غالیان، برخی صوفیه، اسماعیلیه، سبائییه، کیسانییه، نصیرییه، دروزیه، نقطویه و راوندیه پذیرفته شده است. البته برخی از وهابیت نیز به اشتباه، اعتقاد به تناسخ و رجعت را به شیعه نسبت می دهند که این ادعا صحیح نیست.

تفاوت اساسی رجعت با تناسخ در این است که رجعت موجب تعدد بدن برای یک نفس نمی شود. همچنین مسخ با تناسخ متفاوت است؛ در مسخ، روح از بدن جدا نمی شود، بلکه تنها شکل بدن تغییر می کند، در حالی که در تناسخ، روح به بدن دیگری منتقل می شود (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵).

بانو امین، به تفصیل و با استناد به آیات معاد به رد تناسخ پرداخته‌اند برای مثال، برخی طرفداران تناسخ به آیه ۱۱ سوره غافر («حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ...») استناد کرده و ادعا می‌کنند که این آیه به زندگی و مرگ‌های مکرر (تناسخ) اشاره دارد (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۱). اما در پاسخ گفته شده که این آیه نه تنها دلالتی بر تناسخ ندارد، بلکه یکی از دلایل محکم در نفی آن است. زیرا:

۱. این آیه تنها به مراحل خاص از اماتة و احیاء که منجر به اعتراف کفار به گناهانشان شده اشاره می‌کند، نه همه مراحل زندگی و مرگ انسان.

۲. آیه مرگ و حیات را منحصر در دو مرحله می‌داند، در حالی که طرفداران تناسخ به مرگ و حیات‌های متعدد و مستمر معتقدند

بانو امین نیز در تفسیر خود، به‌ویژه در آیات مربوط به معاد، به نقد و رد شبهات معتقدان به تناسخ پرداخته و این آموزه را با استناد به آیات قرآن و احادیث باطل می‌داند. (بانو امین ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۶۰-۳۶۲ و ج ۳، ص ۳۳۴)

دیدگاه بانو امین در نقد تناسخ

بانو امین با استدلال‌های فلسفی و عقلی، نظریه تناسخ را به طور قاطعانه باطل می‌داند. ایشان استدلال می‌کنند که بازگشت نفس انسانی که مراحل کمال را پیموده و به فعلیت رسیده است به حالت قوه و نقصان اولیه (مانند بازگشت به صورت یک جنین)، محال و خلاف قانون کلی سیر استکمالی و ارتقایی موجودات است. به باور ایشان، هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که کمالات کسب‌شده یک انسان زایل شده و او برای کسب مجدد همان کمالات به دنیا بازگردد.

ایشان در نقدی دقیق‌تر به مکانیسم ادعایی تناسخ می‌پردازند و دو فرض را بررسی می‌کنند: اگر بدن جدید (جنین) پیش از انتقال روح، خود دارای روح باشد، لازمه آن تعلق دو روح به یک بدن است که از محالات عقلی است. اگر هم آن بدن فاقد روح باشد، با مستعدشدن، مطابق قاعده فیض الهی، روح جدیدی از سوی خداوند که فیضش عام و بی‌کم‌وکاست است، به آن افزوده می‌شود؛ بنابراین، نظریه تناسخ که بر گردش تعداد محدودی روح بین ابدان دلالت دارد، به معنای محدودکردن فیض الهی است و با قدرت غیرمتناهی خداوند در تضاد کامل قرار می‌گیرد. (بانو امین، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵؛ بانو امین، بی‌تا، ج ۳، صص ۳۳۵ و ۳۶۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری:

نتایج این پژوهش تحلیلی - تطبیقی با محوریت دیدگاه بانو امین نشان می‌دهد که آیه ۱۱ سوره غافر باوجود ظاهر مختصر، از غنای معنایی برخوردار بوده و امکان برداشت‌های تفسیری متعددی را فراهم ساخته است. مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق عبارت‌اند از تبیین دیدگاه بانو امین که باتکیه بر میانی حکمت متعالیه (به‌ویژه آموزه‌های ملاصدرا درباره «عالم مثال» و «تجرد نفس»)، «اماته اولی» را به مرگ دنیوی و «احیاء اولی» را به حیات برزخی (مربوط به سؤال و جواب قبر) تفسیر می‌کند. این نگاه نه تنها با ظاهر آیه و سیاق آن سازگار است، بلکه از پشتوانه عقلانی و روایی برخوردار می‌باشد. همچنین نقد تفسیر مشهور اهل سنت که «اماته اولی» را به حالت نطفگی و عدم اولیه انسان بازمی‌گرداند. این پژوهش نشان داد که چنین تفسیری با چالش‌های جدی زبانی (در معنای لغوی «اماته») و سیاقی مواجه است و از تبیین «حیات برزخی» به عنوان یک مرحله میانی عاجز می‌باشد. باید گفت رفع شبهه تعارض این آیه با آیات مشابه مانند آیه ۲۸ سوره بقره، با تبیین این که آیه بقره ناظر به «موت» به معنای عدم و «احیاء» به معنای وجود است، در حالی که آیه غافر ناظر به «اماته» و «احیاء» پس از یک حیات قبلی است. این دو آیه در طول یکدیگر و ناظر به مراحل مختلف حیات انسان هستند. در مجموع، تفسیر بانو امین با پرهیز از تأویلات نامأنوس و باتکیه بر متون دینی و عقل فلسفی، الگویی متعادل و منسجم ارائه می‌دهد که حیات برزخی را به عنوان حلقه ضروری معاد اثبات می‌کند، بلکه پاسخی محکم به دیگر دیدگاه‌هاست. این تحقیق همچنین گامی در جهت معرفی و عمق بخشی به اندیشه‌های تفسیری این بانوی مجتهد و فیلسوف جهان اسلام محسوب می‌شود.

منابع

-قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- آمدی، سیف‌الدین. (۱۴۲۳ ق). اباکار الافکار فی اصول الدین. قاهره: دارالکتب.
- بانو امین، نصرت بیگم (۱۳۶۲ ش). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، بی نا، بی جا.
- بانو امین، نصرت بیگم (۱۳۹۲ ش). معاد یا آخرین سیر بشر (چاپ دوازدهم). اصفهان: نشاط.
- بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۶ ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸ ش). تفسیر تسنیم (جلد ۲). قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷ ش). معاد در قرآن (جلد ۴). قم: اسراء.
- حسینی تهرانی، سید محمدحسین. (۱۴۲۷ ق). معاد شناسی (جلد ۳). مشهد: نور ملکوت قرآن.
- رجبی، آرش و نصیری، علی. (۱۳۹۵ ش). «بررسی تفسیری مراحل اماته و احیا مبتنی بر آیه یازده سوره غافر». مطالعات تفسیری. سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۶۰-۱۸۰.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۶ ش). منشور عقاید امامیه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. محقق: عمر عمروی. بیروت: دار الفکر.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۷۵ ش). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. به کوشش: هانری کربن و سید حسین نصر (جلد ۲). تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
- شبر، سید عبدالله. (۱۴۲۴ ق). حق الیقین فی معرفه اصول الدین. قم: انوار الهدی.
- شریف مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۱ ق). الذخیره فی علم الکلام. قم: النشر الاسلامی.

- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴ ش). المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۷). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (جلد ۵ و ۸). تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (جلد ۹). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طبیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸ ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (جلد ۱۱). تهران: انتشارات اسلام.
- علویه همایونی، زینت السادات. (۱۳۸۸ ش). زندگانی بانوی ایرانی (چاپ سوم). اصفهان: نشاط.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی (جلد ۴). تهران: انتشارات صدر.
- مجتبیوی، سید جلال الدین. (۱۳۷۱ ش). ترجمه قرآن. تهران: حکمت.
- مجلسی، محمدباقر. (بی تا). حق الیقین. تهران: اسلامیه.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۵ ش). «رجعت در اندیشه شیعی». وقف میراث جاویدان. شماره ۱۳، صص ۱۱۵-۱۳۱. تهران: سازمان اوقاف.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید). (۱۴۱۳ ق). المسائل السروریة. قم: المؤتمر العلمی للشیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه (جلد ۲۰). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملاحویش، عبدالقادر. (۱۳۸۲ ش). بیان المعانی. دمشق: مطبعة ترقی.
- نوروزی، مجتبی و بخشی، مرضیه. (۱۳۹۹ ش). «بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت». دو فصلنامه تفسیر پژوهی. سال هفتم، شماره چهاردهم، صص ۲۳۵-۲۶۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی